

"نه!" به امپریالیسم!
"نه!" به جمهوری اسلامی!
زنده باد انقلاب!
زنده باد کمونیسم!

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۵۳ - ۱۵ فروردین ۱۳۸۶

تشدید "تبلیغات جنگی" و سرنوشت جمهوری اسلامی!

بلکه از سوی دیگر نگرانی به حقی را در میان توده های تحت ستم ما و نیروهای آزادی خواه و مردمی دامن زده است چرا که آنها می دانند "هزینه های" غیر قابل جبران چنین سیاستی را قبل از هر کس مردم ایران باید بپردازند. بویژه این که توده های تحت ستم ما شاهد ابعاد فاجعه بارسیاستهای ضد ملی و ضد مردمی سران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در رابطه با "پرونده هسته ای" هستند و می بینند که چگونه لاف و گزافهای بی مایه ضد آمریکایی و سیاستهای ضد خلقی دولت احمدی نژاد، در عمل دقیقاً در راستای سیاست ضد خلقی و جنگ طلبانه دولت بوش سازمان یافته است. تا جایی که همگان شاهدند که هر بار احمدی نژاد مزدور با تشویق هم پالگپهایش از بلندگوهای عمومی عریده های پوچ "صهیونیسم نابود باید گردد" و "اتوبوس هسته ای جمهوری اسلامی دنده عقب ندارد" سر می دهد، در آمریکا بر "محبوبیت" دارو دسته بوش و جنگ طلبان افزوده شده و تور "مبارزه با تروریسم" آنها با هیمة های امثال احمدی نژاد شعله ورتر می گردد. (ادامه در صفحه ۲)

رویدادهای هفته های اخیر و در راس آن دستگیری ۱۵ ملوان انگلیسی توسط مامورین جمهوری اسلامی در آبهای مرز ایران و عراق و تشدید تنشهای دیپلماتیک بین حکومت ایران و دولت بریتانیا، بار دیگر جمهوری اسلامی را در راس اخبار و گزارشات منتشره در خبرگزاریهای مهم بین المللی قرار داده و موجی از "تبلیغات جنگی" جدید را بر علیه این رژیم دامن زده است. این رویدادها در حالی اتفاق می افتند که در سالهای اخیر، محافل قدرتمندی در هیات حاکمه امپریالیسم آمریکا در چارچوب پیشبرد "استراتژی نوین دفاعی آمریکا برای سده آینده" (که طرح آن از اواخر دوره کلینتون به عنوان نقشه جنگی جدید آمریکا در مقابله با امپریالیست های دیگر در سطح بین المللی مطرح شد) برای عملی کردن این سیاست به اشغال افغانستان و عراق دست زده و پنهان نمی کنند که برای پیشبرد مقاصد امپریالیستی و طرحهای کلان خود، مصممند تا در صورت لزوم به ایران نیز حمله کنند؛ چرا که این محافل مدعی اند که "کلید" عملی شدن طرح "خاورمیانه بزرگ" از ایران می گذرد. در چنین اوضاع و احوالی ست که ما می بینیم با فشارهای خزنده ولی فزاینده و گام به گام آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل همچون تجربه رژیم صدام حسین، قطعنامه های جدیدی بر علیه جمهوری اسلامی تصویب می کند و گام بگام شرایط را به اوضاع جنگی نزدیکتر می سازد؛ بر تعداد نیروها و ادوات جنگی استراتژیک آمریکا در خلیج فارس افزوده می شود؛ هواپیماهای جنگنده آمریکایی حریم هوایی ایران را مرتباً نقض می کنند؛ و کار تا جایی پیش می رود که هزار چند گاه یکبارحتی اخباری مبنی بر تعیین روز مشخصی به عنوان "تاریخ قطعی" حمله به ایران برای سنجش افکار عمومی عنوان می شود. این روند نه تنها از یک سو بر تداوم عزم امپریالیسم آمریکا بر پیشبرد مقاصد جنگ طلبانه و کشورگشایانه هیات حاکمه این کشور تاکید می گذارد،

ادامه مبارزات حق طلبانه معلمان!

بدنبال حرکت اعتراضی ده هزار تن از معلمان در تاریخ ۱۵ اسفند ماه در تهران، در آغاز سال جدید نیز این اعتراضات بر علیه شرایط وخیم معیشتی و کاری ادامه یافت و برغم سرکوب وحشیانه اعتراضات آنها و دستگیری قریب به هزار تن از فعالان این حرکت توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، دامنه اعتراضات معلمان به دیگر شهرهای ایران نیز کشیده شد. در کرمانشاه، معلمان این شهر در پیگیری اعتراضات خود برای افزایش حقوقها و هماهنگ شدن دستمزدهایشان با حقوق و مزایای سایر کارمندان دولتی، در استانه سال جدید در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر دست به تجمع و اعتراض زدند. به دستور مقامات ضد خلقی استانداری که حتی تحمل تجمع مسالمت آمیز معلمان را نداشتند، نیروهای انتظامی در محل حاضر شده و با ضرب و شتم و دستگیری چندین نفر از معترضین، کوشیدند تا مقاومت و مبارزه معلمان را در هم بشکنند. (ادامه در صفحه ۲)

"توتال" و رسوایی رشوه خواری مقامات رژیم!

با اعترافات یکی از مدیران کمپانی فرانسوی توتال، در هفته های اخیر گوشه دیگری از ابعاد فساد و رشوه خواری سران رژیم جمهوری اسلامی از پس پرده بیرون افتاد. در جریان تحقیقاتی که دادگستری فرانسه از مدیران شرکت توتال به عمل آورده معلوم شده که مقامات این کمپانی امپریالیستی در سال ۱۹۹۷ برای تضمین پیروزی توتال در مناقصه مربوط به قرارداد عظیم توسعه میدان گازی پارس، به "مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی" رشوه داده اند و از خانواده رفسنجانی فاسد و جنایتکار به عنوان یکی از دریافت کنندگان رشوه در این پرونده نام برده شده است. مطابق اعترافات "کریستوفر دمارژی" یکی از مدیران توتال، پیش از امضای قرارداد نفتی پارس جنوبی - که یکی از اسارتبارترین قراردادهای غارتگرانه نفتی منعقد شده توسط جمهوری اسلامی با امپریالیستها در زمان حیات این رژیم وابسته می باشد- میلیون ها یورو از طریق حساب بانکی منشی پسر رفسنجانی جنایتکار(مهدی) بدست رفسنجانی ها رسیده است. (ادامه در صفحه ۳)



"تشدید تبلیغات جنگی" و

سرنوشت ... از صفحه ۱

واقعیت این است که تا آنجا که به اهداف امپریالیسم آمریکا در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی بازمی گردد، این پرونده اسم رمز و بهانه ای برای پیشبرد سیاست استراتژیک آمریکا در خاورمیانه می باشد که مضمون آن را توسعه حضور مستقیم نظامی آمریکا در این منطقه استراتژیک با هدف دست اندازی به بازارها و مناطق نفوذ در رقابت با سایر شرکای امپریالیست و کنترل هر چه بیشتر منابع انرژی تشکیل می دهد. در پیشبرد این استراتژی، امپریالیسم آمریکا هیچگاه سرنوشت خود را با سرنوشت سگان زنجیریش پیوند نخواهد زد؛ و هر جا که لازم باشد همانطور که در مورد رژیم صدام حسین، دارودسته طالبان و یا در گذشته در مورد شاه دیده ایم، لحظه ای هم در قر بانی کردن جزء (یعنی بخشی از مزدوران خود) برای تحقق اهداف استراتژیک اش (تامین گسترده تر منافع امپریالیستی از طریق اشغال و حضور مستقیم نظامی) دریغ نخواهد ورزید. در نتیجه درک همین واقعیت است که سران رژیم جمهوری اسلامی نیز که تجربه روی کار آمدن خود بجای رژیم شاه را به چشم دیده و در همسایگی ایران در شرق و غرب نیز سرنوشت رژیمهای مزدور طالبان و صدام حسین را نیز مشاهده کرده اند، شدیداً به دست و پا افتاده و در حالی که در عمل مطابق

خواست ارباب نموده و برای تبلیغات جنگی او آذوقه تهیه می کنند، بارها نیز اعلام کرده اند که حاضر به "مذاکره" و قبول تمامی شرایط ارباب بزرگ و به این ترتیب یافتن "آینده ای" در نقشه های ضد خلقی جاری دولت بوش برای منطقه هستند. البته یک شرط هم برای انجام همه این کارها فائلدن و آن این که آمریکا به آنها "تضمین امنیتی" بدهد و به عبارت ساده تر بلاي رژیم صدام را بر سر آنها نیارد و سیاست "تغییر رژیم" را در مورد این بخش از نوکران خویش به کار نیندد. اما واقعیت این است که بر آوردن این خواسته تماماً به منافع و نظر اربابان جهانی جمهوری اسلامی و در راس آنها امپریالیسم آمریکا و توازن قوای موجودگره خورده است. بسیار مهم است که ما امروز توجه خود را به این حقیقت مبذول داریم که در سالهای اخیر، امپریالیست ها در سطح بین المللی برای تجدید تقسیم بازارها در سطوح مختلف در گیر جنگ با یکدیگر می باشند (به عنوان نمونه می توان درگیریهای آمریکا و فرانسه را در آفریقا مثال زد) که البته آن را تحت پوشش هائی با عناوین مختلف به پیش می برند. در این میان خاورمیانه تنها یکی از جبهه های این جنگ برای امپریالیسم آمریکا به شمار می رود. با تأکید روی چنین واقعیتی می توان متوجه این امر بود که **سرنوشت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اساساً به این حقیقت گره خورده که در معادلات امپریالیستی چه معامله ای در مورد ایران بین آنها صورت خواهد گرفت. به خصوص که باید به یاد بیاوریم که روی کار آمدن جمهوری اسلامی حاصل توافقات امپریالیستی**

در کنفرانس گوادولوپ بود. در این توافقات چگونگی غارت منابع ثروت ایران و چپاول نیروی کار و بازار آن و سهمی که هر یک از امپریالیست ها از آن خواهند برد، نقش اول را بازی کرده بود. بنابراین طبیعی است که هرگونه تغییری در آن توافقات از طرف امپریالیسم آمریکا که امروز در رابطه با ایران نیز دیگر به سهم خویش از غارت و چپاول ثروت های ایران در توافقات قبلی فایده نبوده و خواهان "سهم شیر" است، با مخالفت شدید امپریالیست های دیگر مواجه است. بنابراین سرنوشت جمهوری اسلامی با چگونگی حل تضادهای فیما بین نیروهای امپریالیستی در سطح جهان در ارتباط بوده و در اساس در چنان معادلاتی رقم خواهد خورد.

آتش افروزی های امپریالیسم آمریکا و تداوم فشارهای جاری بر جمهوری اسلامی از یکسو و سیاست های ضد ملی و ضد خلقی همزمان جمهوری اسلامی در هیزم ریختن به تنور این آتش ها نشان می دهد که اوضاع در مسیر خوشایندی برای جمهوری اسلامی به پیش نمی رود. این واقعیات یکبار دیگر بر ضرورت تشدید تلاشهای مبارزاتی نیروهای واقعا مردمی تأکید می کنند که مخالف هر گونه دخالتگری نظامی و غیر نظامی امپریالیست ها در ایران بوده و در همانحال خواهان سرنگونی انقلابی این رژیم بدستان توانای کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های رنج دیده ایران هستند. ■

ادامه مبارزات معلمان... از صفحه ۱

امنیتی جمهوری اسلامی ۵ تن از فعالین این حرکت را دستگیر و پس از گرفتن تعهد نامه آزاد ساختند. با گسترش و تداوم مبارزات حق طلبانه معلمان در شهر های ایران و انعکاس اخبار مبارزات آنها توسط نیروهای انقلابی در خارج از کشور، از سوی "کنگره کار کانادا" (CLC)، نامه ای در حمایت از مبارزات معلمان ایران خطاب به رهبر جمهوری اسلامی انتشار یافت که در آن نسبت به ادامه تهدیدات جانی و تعقیب فعالان اعتراضات معلمان در شهر های ایران اظهار نگرانی شده است. این کنگره یکی از بزرگترین اتحادیه های شاغلین کاناداست که ۳ میلیون عضو دارد.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در روزهای بعد نیز به کنترل رفت و آمد در اطراف استانداری کرمانشاه پرداختند ولی تجمع اعتراضی معلمان در روزهای بعد در پارکی در نزدیکی اداره آموزش و پرورش ادامه یافت. لازم به یادآوری است که در اسفند ماه سال گذشته اعتراضات معلمان اوج گرفت و برای نمونه در شهر میاندوآب در آذربایجان در روزهای ۱۶ و ۱۷ اسفند ماه، گروهی از دبیران و معلمان مدارس در اعتراض به عدم بر آورده شدن مطالبات صنفی و حقوقی خود به مدت دو روز از حاضر شدن در سر کلاسهای درس خودداری کردند.

در تاریخ ۲۸ اسفند ماه نیز معلمان کردستان برای پیگیری خواسته های برحق صنفی و حقوقی خود و در حمایت از اعتراضات برحق همقطاران شان در سایر شهر ها، در مقابل ساختمان آموزش و پرورش تجمع کردند. آنها با حمل پلاکاردهایی ضمن دعوت معلمان به اتحاد و تداوم مبارزه، خواهان آزادی معلمان دستگیر شده و تحقق مطالبات خویش شدند. در همین تاریخ در شهر سبزوار در خراسان نیز صد ها تن از فرهنگیان مبارز این منطقه با تجمع در مقابل اداره آموزش و پرورش، نسبت به اوضاع معیشتی و کاری خویش دست به اعتراض زده و طوماری را تهیه کردند. نیروهای



از سوی دیگر مامورین جمهوری اسلامی در طول این مدت ۳ میلیون و ۱۴۶ هزار و ۴۱۹ بطری "مشربیات الکلی خارجی" کشف کرده اند که در این زمینه نیز آمار دولتی از یک رشد ۲۸/۵ درصدی خبر می دهد.

صرف نظر از این واقعیت که آمار فوق به هیچ وجه منعکس کننده همه واقعیت تباهی و انحطاط اجتماعی زاینده مناسبات ارتجاعی حاکم نیستند در بررسی این آمار یک پرسش مهم جلب نظر می کند و آن این که چرا در شرایطی که دیکتاتوری حاکم با اجرای قوانین ضد خلقی و تشدید روزمره "مجازاتهای اسلامی" و سرکوب وحشتناک توده ها می کوشد با فساد و فحشا باصطلاح مبارزه کند، به هیچ رو قادر به تخفیف این مصایب اجتماعی نشده است؟ مگر نه این که جلادان جمهوری اسلامی برای برخورد با "زنا" و "فحشا" و "لواط" و ... در طول سالها قساوت تمام به اعدام قربانیان و حتی سنگسار آنان در ملا عام دست زده و جنایات خود را برای "عبرت" (بخوان ارعاب) دیگران در سطح جامعه نمایش هم داده اند؟ چرا حتی با وجود اعمال چنین "راه حلهایی" هنوز از ابعاد این بزهکاریها کاسته نشده و برعکس بر میزان آنها اضافه نیز گشته است؟

واقعیت این است که پدیده های تاسف بار اجتماعی نظیر دزدی، فحشاء، اعتیاد و... به عنوان دردهای اجتماعی، قبل از هر چیز ریشه در نظام و مناسبات اقتصادی حاکم بر هر جامعه دارند. هر جا که فقر و گرسنگی و بیکاری و محرومیت و... وجود دارد، وجود فحشا و دزدی و تبهکاری و اعتیاد و ... نیز ناگزیر است. در نتیجه اگر فقر و گرسنگی و محرومیت اقتصادی ذاتی نظام سرمایه داری ست، بیماریهای اجتماعی زاینده این عوامل نیز پدیده ای جدایی ناپذیر و رشد یابنده در موجودیت این نظام ها را تشکیل می دهد.

در شرایطی که در زیر حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته، بیش از نیمی از آحاد جامعه ما در زیر "خط فقر" و بخش "خط بفا" به سر می برند؛ در شرایطی که میلیونها تن از کارگران و اقشار تحتانی جامعه محتاج نان شب خود هستند؛ در شرایطی که بیکاری بیداد می کند و سرمایه داران زالوصفت وابسته و کارفرمایان دولتی بی هیچ دغدغه ای، حتی از پرداخت حقوق بخور و نمیر صد ها هزار تن از کارگران محروم خودداری می کنند؛ در شرایط اعمال محدودیتها و دیکتاتوری لجام گسیخته ای که طبیعی ترین مسایل زندگی توده ها و روابط فی مابین آنها را زیر کنترل و دخالت خود می گیرد، آن گاه معلوم خواهد شد که چرا هر روز بر تعداد گرسنگان و بی

خانمانان افزوده شده و با فرو پاشیدن اساس خانواده هایی که فاقد کمترین توان اقتصادی برای سیر کردن شکم خود می باشند، هر روز بر ابعاد فحشا، فساد، دزدی و سایر ناهنجاریهای مرگبار اجتماعی افزوده می گردد. تا جایی که در همین رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی رسماً از وجود بیش از شش صد هزار زن خیابانی "صحبت می شود که برای کسب حد اقل مایحتاج خود و خانواده شان راهی جز تن فروشی ندارند. ویا روز بروز بر تعداد متکدیان درمانده و بی سرپناه، کارتن خوابها، دختران فراری، معتادها، سارقین و تبهکاران و ... افزوده می شود و اعمال وحشیانه ترین مجازاتهای غیر انسانی از سوی مزدوران حکومت نیز تأثیری در کاهش ابعاد این بلایای اجتماعی ندارد.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نه می خواهد و نه می تواند با ناهنجاریهای اجتماعی زاینده نظام سرمایه داری وابسته مبارزه کند. برعکس این رژیم خود عامل تشدید کننده چنین ناهنجاریهایی ست. برای نابودی عوامل پیدایش و رشد آن یعنی سیستم اقتصادی اجتماعی سرمایه داری حاکم همت گماشت. نیل به این هدف نیز تنها در جریان یک انقلاب اجتماعی برای نابودی رژیم جمهوری اسلامی و قطع هر گونه نفوذ امپریالیسم در ایران امکان پذیر است.

تضادهای امپریالیستی و تلاش برای کنترل

بازار اسلحه

مقامات دولت آمریکا نسبت به تلاشهای روسیه برای بردن سهم بیشتر از بازار فروش سلاح در سطح جهانی و رقابت آن با آمریکا اظهار نگرانی کرده اند. در همین رابطه معاون وزارت خارجه آمریکا "دیوید کرامر" به انتقاد از روسیه بدلیل فروش سلاح به کشورهای ایران و ونزوئلا و سوریه پرداخت و روسیه را متهم کرد که برای همسایگان خود "قلدری" می کند. این انتقادات پس از آن عنوان شد که رییس جمهور روسیه در ماه گذشته آمریکا را به پیشبرد "سیاستهای خطرناک" و تلاش برای "تحمیل منافع خود به جهانیان" متهم ساخته بود. شایان ذکر است که بدنبال سقوط شوروی سابق و تقسیم آن به کشورهای مختلف در دهه ۹۰، از سهم عظیم روسیه در بازار سلاح به طرز چشمگیری کاسته شد و رقبای شوروی سابق و در راس آنها آمریکا از خلاء حضور روسیه در این بازار برسود استفاده نموده و منافع کلانی به جیب زدند. در سالهای اخیر صنایع اسلحه سازی روسیه با سرمایه گذارهای این دولت به رشد بیشتری دست یافته و با فروش ۶ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار اسلحه در بازارهای جهانی، دوباره موقعیت پیشین را باز یافته اند. روسیه در حال حاضر ریس از آمریکا در میان کشورهای صادر کننده اسلحه در جهان حاضر مقام دوم را از آن خود ساخته است نخست وزیر روسیه اعلام کرده که این کشور در تلاش برای رسیدن به یک "رکورد جدید" در صد است که در سال ۲۰۰۷ با گسترش بازارهای خود فروش اسلحه اش را به ۷ میلیارد دلار برساند. امری که خشم رقبای امپریالیست روسیه و در راس آنها آمریکا را برانگیخته است.

"توتال" و رسوایی ...

از صفحه ۱

پرداخت این پولها در بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۳ ادامه داشته است. این رسوایی مالی زمانی علنی شد که مقامات سویسی متوجه ورود مقادیر زیادی پول به حساب منشی رفسنجانی ها در بانک سوییس شده و فهمیدند که پولها از سوی شرکت توتال به این حساب واریز گشته است. بازپرس دادگستری فرانسه پس از ۲۴ ساعت بازجویی از مدیران سابق و فعلی توتال، ضمن دادن وعده برای گشودن یک پرونده قضایی، دستور داد که مدیر عامل توتال تا اطلاع ثانوی، "حق برقراری ارتباط" با رفسنجانی ها را ندارد. در ارتباط با این مسایل که خود بیانگر جلوه ای از تضادهای فیما بین امپریالیستها و رقابت آنها با یکدیگر می باشد، کمپانی توتال در مقابل این اتهامات مدعی شده که همه معاملاتش در ایران، "روندهای قانونی" را طی کرده اند. توتال که بزرگترین شرکت تجاری فرانسه است هم اکنون به طور همزمان در رابطه با برنامه "نفت در برابر غذا"ی سازمان ملل در دوره حکومت صدام حسین و پرونده های فساد مالی خود در کامرون نیز با اتهامات مشابهی مواجه است.

البته این اولین بار نیست که در اثر اختلافات و تضاد منافع بین غارتگران بین المللی گوشه ای از عمق فساد و دزدی و رشوه خواری سران جمهوری اسلامی از پس پرده بیرون می افتد. در سال گذشته نیز رو شد که شرکت نفتی "استات اویل" نروژ برای بردن سهمی از خوان غارتی که سران رژیم در حراج پروژه های نفتی برای اربابان امپریالیست خود گشوده اند، میلیونها دلار به خانواده رفسنجانی رشوه پرداخت کرده است.



خاوران: وصیقل می دهند خنجرهای انتقام را...



با خون خود درخت آزادی و برابری را آبیاری کردند. شرکت کنندگان در مراسم امسال پس از قرار دادن دسته گل‌هایی بر مزار عزیزانشان، به خاطره همگی جانباختگان راه آزادی، یک دقیقه سکوت کرده و در ادامه مراسم با خواندن سرودهای دست جمعی (نظیر رود، زده شعله در چمن، انترناسیونال و...) یاد عزیزان خود را پاس داشتند. در این مراسم تنی چند از مادران زندانیان سیاسی و جانباختگان و همچنین برخی از کسانی که امکان فعالیت سیاسی در درون نظام حاکم را دارند نیز سخنرانی کردند. در این صحبتها بر ضرورت تداوم پزگداشت یاد جانباختگان و ادامه راه آنها تاکید شد. شرکت کنندگان در این گردهمایی همچنین شاهد هنرنمایی تعدادی از جوانان بودند که با اجرای

دشت سرخ خاوران، امسال نیز در آخرین جمعه سال ۱۳۸۵ میعادگاه جمعی از خانواده های مقاوم و مبارز جانباختگان جنایات رژیم جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ بود. در تاریخ جمعه ۲۵ اسفند ماه گروهی از مادران و پدران و خانواده های استوارزندانیان سیاسی و جمعی از فعالین سیاسی و بویژه جوانان در خاوران گرد آمدند تا به رسم سالهای اخیر یاد دلاوریها و مبارزات نسلی از دلیرترین فرزندان کمونیست و مبارز خلق را پاس دارند که تنها و تنها به دلیل دفاع از آزادی و آرمانهای انسانی شان بدست رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ و بویژه در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به خاک افتاده و

و با "آبی" اشک

درهشمان "دریایی" شان

صیقل می دهند فلج‌های سرخ

"انتقام" را

از دشمنان پاید و همش پست

تا افشار طلیعه های آن روز مملوم...

موسیقی به این مراسم شور هر چه بیشتری بخشیدند. تجمع خانواده های استوار جانباختگان و زندانیان سیاسی در خاوران بویژه در سالهای اخیر به عنوان خاری در چشم رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی فرو رفته است. چرا که برغم تمامی تلاشهای این رژیم ضد خلقی برای ظاهر نمایی و لاپوشانی جنایات غیر قابل توصیفش بر علیه مردم تحت ستم ایران، صرف گردهمایی خانواده های شجاع جان باختگان در خاوران و بر مزار عزیزانشان، سند روشن و گویایی از رسوایی دیکتاتوری حاکم را به نمایش گذارده و یاد آور گوشه ای از جنایات بیکران حکومت بر علیه مردم ایران است.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051

London

WC1N 3XX

England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

رشد بی سابقه بزهکاری و فساد در جمهوری اسلامی

گسترش چشمگیر فقر اقتصادی و بیکاری و محرومیت تحت حاکمیت نظام استثمارگرانه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران، در وجه دیگر خود به رشد فزاینده و ناگزیر نابسامانی های وحشتناک اجتماعی منجر شده است. بجزرات می توان گفت امروز هیچ کس نمی تواند منکر این حقیقت شود که ابعاد دزدی، فساد، فحشاء، اعتیاد، مصرف الکل و سایر مصائب اجتماعی در نتیجه حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و سیاستهای آن به نحو بی سابقه ای رشد کرده است. علیرغم این که رژیم، فریبکارانه توده های تحت ستم را به پیروی از "زهد" و "تقوی" و اخلاق اسلامی و معیارهای آسمانی دعوت می کند، اما با حفاظت از مناسبات استثمارگرانه طبقاتی و نظام اقتصادی ظالمانه و ارتجاعی موجود در واقع، زمینه های مادی رشد کثیف ترین بیماریهای اجتماعی در ایران در جامعه تحت سلطه ما را مرتب تولید و باز تولید کرده و فراتر از آن به قوه قهر ضد انقلابی از چنین مناسباتی پاسداری می کند. در همین رابطه آماری که اخیرا از سوی خود ارگانهای حکومتی در رابطه با رشد جرائم و بزهکاریهای اجتماعی در جامعه ما انتشار یافته سند دیگری ست که نشان می دهد برغم مواعظ فریبکارانه آخوندهای دزد و فاسد حاکم، بیماریهای اجتماعی نظیر فساد و فحشاء و اعتیاد و ... ذاتی نظام ضد خلقی حاکم بوده و با حیات سیاه آن گره خورده است. مطابق این آمار، در ۹ ماه اول سال ۸۵ میزان بزهکاریهای اجتماعی به طرز چشمگیری رشد کرده است. بطور مثال در طول این مدت، ۵۹۴۱ مکانی که از آنها به عنوان "مراکز فحشاء" نام برده شده کشف گشته که از یک رشد ۲۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته حکایت می کند. بیشترین این مراکز در تهران، مازندران، همدان و اصفهان کشف شده اند. در همین رابطه مامورین انتظامی جمهوری اسلامی ۶۷۱ نفر را بجرم "تجاوز به عنف" و ۹۵۶ نفر را به جرم "زنا" دستگیر کرده اند که این ارقام به ترتیب رشد ۱۲ و ۱۱ درصدی را نشان می دهند. ۲۱۴۲ نفر نیز به جرم "لواط" دستگیر شده اند که اکثرا در گروه سنی ۲۰-۱۵ ساله قرار دارند. در ۹ ماه اول امسال همچنین ۵۳ هزار و ۵۹۷ نفر بجرم آن چه که دست اندرکاران فاسد رژیم "روابط نامشروع" می نامند دستگیر شده اند که نسبت به سال قبل ۱۹ درصد رشد کرده است.

(ادامه در صفحه ۳)

